

شهری، در نزدیک‌ترین فاصله به حرم برساند. همه‌ساله میلیون‌ها مسافر به مشهد می‌آیند و این آمار در ایام عید نوروز به ده میلیون نفر هم می‌رسد. پنجاه و پنج درصد از کل هتل‌های ایران در مشهد قرار دارد و این شهر پذیرای میلیون‌ها مسافر ایرانی و عراقی و پیروان شیعه جعفری از همه جای دنیا است. گردشگری دینی از مهم‌ترین منابع درآمد این شهر به شمار می‌رود.

بر خلاف شهر مکه که به صورت عمودی گسترش پیدا کرده و به‌صراحت بگویم مایه دلگیری انسان می‌شود، گسترش مشهد به‌صورت افقی است تا هر سال شمار بسیار بیشتری از زائران راه‌سوی خود جلب کند. شاید در سال‌های جنگ میان ایران و عراق، آمار زائران مشهد بیشتر شده باشد؛ زیرا مرقد بیشتر امامان در خاک عراق است و در ایران تنها پیشوای هشتم، یعنی امام رضا مدفون است و از آنجا که در ایام جنگ بین دو کشور و قطع روابط دو جانبه سیاسی و سیاحتی، از سفر ایرانیان به عراق جلوگیری می‌شد، بیشتر علاقه‌مندان به زیارت مرقد امامان شیعه، به پارک‌گاه رضای آمدند که فاصله زیادی با کربلا و نجف داشت. «خداگر ز حکمت ببندد دری، به رحمت گشاید در دیگری!»

بعد از این که برادر حامد من را در ایستگاه مترو پیاده کرد، خیلی راحت به راه خودم ادامه دادم. رسیدن به حرم اصلاً سخت نبود؛ چون همه مسافرها به یک سمت و سومی رفتند. ایستگاه «انبوهی از چادر» بود. چادر مشکی و چادر نماز، پوشش همه زن‌های اینجا و به‌خصوص مسیرهای پیاده‌روی منتهی به حرم است. حتی دختران دوساله هم حجاب بر سر دارند. چادرهای اینجا پیشانی و چانه را هم می‌پوشاند، اما برخلاف آن چه آیین وهابی می‌گویند، پوشاندن صورت واجب نیست. در میدان منتهی به حرم، چندین اتوبوس بزرگ در حال جابه‌جا کردن زائرانی هستند که به محض پیاده شدن، در صف درازی به سوی حرم روانه می‌شوند. بعضی از مردها و زن‌ها، کودکان شان را از ترس گم شدن کول کرده‌اند. در هر دقیقه صدها خانواده با شوق و ذوق به زیارت حضرت رضای می‌روند. هر زنی که چادر نداشته باشد، پیش از ورود، چادر نمازی بارنگ روشن بر سر می‌کند. هرچه به درهای اصلی حرم نزدیک‌تر می‌شویم، هشدارها و آموزش‌های مربوط به رعایت پوشش، سفت و سخت‌تر می‌شود. مردان و زنانی را دیدم، با کارت شناسایی مخصوصی آویخته برگردن و چوب‌پره‌های رنگی در دست، از همان‌هایی که دهه نود در ماشین همه مصری‌هایی که از آن‌ها وجود داشت. آن‌ها آماده بودند تا به محض هر مخالفتی، چوب‌پرها را با نرمی و مهربانی بر بدن شما بزنند. اگر خانمی طرّه موبش بیرون افتاده باشد، باید آن را بپوشاند و چنانچه لباس تنگ و بدن‌نمایی بر تن داشته باشد، باید آن را با چادر نماز گلدارش مخفی کند؛ محضر امام رضا جای این کوتاهی‌ها نیست.

پرتوی زرین از دور درخشیدن گرفت و هرچه به حرم نزدیک‌تر می‌شدیم، گنبد بزرگ طلایی‌اش نمایان‌تر می‌شد. شاهان و امیران به اعتبار ارج و عظمت صاحب این مرقد و مقام، به طلاکاری و آرایش آن پرداخته‌اند. پرفراز گنبد، پرچم سبز آشنایی در اهتزاز است که نام «امام علی بن موسی الرضا» بر آن پیدا است. ساختمان اصلی حرم از بیرون مانند حرم حضرت معصومه خواهر امام رضا در قم، بسیار بزرگ و وسیع به نظر می‌رسد، اما صحن و سرای این حرم بسیار بزرگ‌تر از آن است. تعدادی از رواق‌ها و ساختمان‌های حرم معصومه در قم به عنوان مدرسه به کار می‌آید؛ اما در اینجا همه رواق‌ها برای استفاده نمازگزاران و زائران فرش شده است.

کتاب مسافر الکتبہ فی ایران،
نسخه عربی

